

در هر عدد زردی حقیقت چو سنکری که صورتش بی معنی در ماده اش یکی است
 که با محتویه الحیات و کان فی قوتها ان یظهر فی الاحیاء نظیر بنفسه او
 هر چه که است در طرف جهت و مانند در وقت او که ظاهر شود در چیز بس ظاهر شود و غیرش با
 توقف ظهور لا علی شرط او شرط عارضه و خارج عنه نیز اقصی
 مؤلف شد ظهور او بر شرط یا شرط عارضه و خارج ازو پس از آنکه
 ذلك الظهور واستلزام انصاف و صفاء و اوصاف الیه لیس منها
 او ظهور است و مستلزم است مضاف شدن و صفی را با اوصاف بسوی او که نسبت
 بما یقتضیه لذاته فانه لا یبلغ ان ینفی عنه تلك الاوصاف
 اوصاف از جهت آنکه انصاف و صفاء است پس بر سبب آنکه در آن اوصاف
 مطلقاً و بنوعی و تبعاً و حقه و مستنکر و لا ان تنبیه
 مطلقاً و بنوعی و تبعاً و حقه و مستنکر و لا ان تنبیه
 ایضا مطلقاً و بنوعی و تبعاً و حقه و مستنکر و لا ان تنبیه
 نیز مطلقاً و بنوعی و تبعاً و حقه و مستنکر و لا ان تنبیه
 منتفی عنه ایضا كذلك و هی له فی الحالین و علی کلا التعلیل
 منتفی از اورد نیز همچنان و آن اوصاف آن خبر ادر در حالت و بر هر دو تقدیر
 اوصاف کمال لا یفصل یفصله الکمال المستوعب و الحیطه
 اوصاف کمال اند نسبت نقص و نقص اوست که کامل همه را فرا گرفته است و هر احوط است
 و وسعه التامه مع شرط النزاهت و البساطه و لا یقاس غیره مما یوصف
 و وسعه تامه را با کمال تراست و بابت و قیاس که در آن اوصاف

نیز

تلك الاوصاف علیة فی ذم نسبی ان انصاف بعض تلك الاوصاف
 بان اوصاف بر وی نه در فوم نسبی اگر انصاف کند ذم را بعضی آن اوصاف که
 التي یطلق علیها لسان الذم او کلیاً و لا فی مجردة فان نسبة تلك
 کرده بود بر آنهاست و ذم با انصاف کند از اوصاف و در هر دو صورت
 الاوصاف و اضافتها الی ذات شایعاً ما ذکرنا یخالف نسبتها الی ما
 و اضافت آنها بسوی ذاتیکه در آن است که در کتب مخالف است نسبت آنها که بسوی چیزی
 یغایرها من الذوات و الشرط اللانتمه لتلك الاضافة یغدر و جلد
 مغایرت ذات از ذات دیگر و شرط لازم بر آن اضافت است مغایرت و بعد از آن
 فی المقبول علیه و هذا الامر شایع فی کل ما لا یتم سوا کان تحقیقه
 شرط در سبب علیه و این امر شایع است در هر چه که نسبت است خواه باشد تحقیق او
 بنفسه کما یحق سبحانه و تعالی او بغيره کما لا یراجح الملیکة و هذه فاعل
 نفس او شایع سبحانه و تعالی یا بغيره او مثل ارجح ملکیمه و این قاعده است
 من عرفها او کشفها عن سرها عرف سر الايات و الاخبار التي
 هر که نسبت است از آنکه کشف کرده شد مراد آن قاعده است شناخت سر آیات و اخبار را که در
 توهم التشبه عند اهل العقول الضعيفة و اطلع علی المراد منها فسیل
 و هم و نسبه در آرد نزد اهل عقول ضعیف و مطلع شد بر مراد آن آیات و اخبار
 من و علی التاویل و التنبیه و عین الامر کما ذکرنا مع کما التنبیه
 از هر دو در هر دو تاویل و تشبیه و معاینه خواهد کرد آن امر را که همانند کرده است
 نور حق سبحانه و تعالی بلو الله بمنزله نور محسوس است و حقایق و اعیان ثابت است